

روان‌شناسی دین همواره به بررسی وضعیت‌های روان‌شناسانه، که رفتار و تجربه دینی را ایجاد، تقویت و یا تضعیف می‌کند می‌پردازد. در این میان، جهت‌گیری مذهبی و یا خودتعیین‌گری مذهبی به‌عنوان عاملی برای تبیین تفاوت در نتایج روان‌شناختی دینداری مورد توجه محققان بوده است. اسلام همواره نیت اعمال را به‌عنوان پایه و اساس اعمال معرفی می‌کند. و اگر اعمال مذهبی به قصد دوری از تنبیه و رسیدن به پاداش از طرف غیر خداوند انجام گیرد، ارزشمند نمی‌داند، ثواب الهی بر آن مترتب نمی‌شود و رنگ ریا به خود می‌گیرد. در واقع ریا زمانی شکل می‌گیرد که ایمان شکل نگرفته باشد. حتی افرادی که ایمان‌شان درونی شده است نیز دارای مراتبی هستند؛ خداوند می‌فرماید: «و ما یومن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون» (یوسف: ۱۰۶). علامه طباطبائی در تفسیر این آیه بیان می‌کند:

افرادی هستند که ایمان‌شان آمیخته به شرک است، و ریا هنگامی ایجاد می‌شود که ایمان به‌طور صحیح شکل نگرفته باشد. کسانی که اعمال مذهبی‌شان براساس ترس از خداوند و یا رسیدن به پاداش الهی است، به خواسته خود خواهند رسید، اما خودخواهی محسوب می‌شود و از دریافت حقیقت و تعالی محروم خواهند ماند (همان، ج ۱۱، ص ۳۷۶).

آلپورت مفهوم جهت‌گیری مذهبی درونی-برونی را برای بررسی کاربرد دین در زندگی افراد مطرح کرد. شخصی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارد، با مذهب‌اش زندگی می‌کند و معنی زندگی و هدف اصلی خود را در مذهب می‌یابد. در دین درونی، ایمان یک ارزش غایی و عالی است که به سمت وحدت هستی جهت دارد. این نوع دینداری، بالاترین سطح سازش‌یافتگی روان‌شناختی است. شخصی که جهت‌گیری مذهبی برون‌ی دارد، از مذهب خود برای رسیدن به اهداف خودخواهانه‌اش استفاده می‌کند، دین برون‌ی، به‌صورت کاملاً منفعت‌طلبانه در جهت دستیابی فرد به امنیت، پایگاه اجتماعی، آرامش و تأییدی بر سبک زندگی انتخاب شده است و «نوعی ایمان نابالغانه است که سطوح بالاتری از کنش‌وری روان‌شناختی ناسالم را به‌طور نسبی پیش‌بینی می‌کند» (قربانی، ۱۳۷۷). در پژوهش‌های بسیاری از مقیاس آلپورت و راس استفاده گردیده، اما انتقاداتی نیز از مقیاس جهت‌گیری مذهبی آلپورت - راس شده است. از جمله کرک پاتریک و هود بیان می‌کنند که چارچوب ساده‌انگارانه درونی-برونی را باید وانهاد و رویکردهای پیچیده‌تری را یافت (ولف، ۱۳۸۶، ص ۳۴۱). مفهوم خودتعیین‌گری مذهبی نظریه‌ای جدیدتر در بررسی انگیزه‌های مذهبی است که به‌صورت پیوستاری مطرح گردیده و اشاره به میزان درونی‌سازی باورهای دینی دارد که بر این اساس آن، انگیزه‌های انجام کنش‌های مذهبی شکل می‌گیرد (البرزی و جوکار، ۱۳۸۴).

سبک‌های هویت و خودتعیین‌گری مذهبی

مهدی سرگزی* / زهرانیک‌منش**

چکیده

هدف این پژوهش پاسخ به این سؤال است که آیا سبک‌های هویت می‌توانند سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی را پیش‌بینی کنند؟ نمونه مورد مطالعه، تعداد ۳۴۶ دانش‌آموز دوره پیش‌دانشگاهی (۱۸ تا ۲۱ سال) شهرستان زاهدان بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامه خودتعیین‌گری مذهبی (SRQ-R) و پرسش‌نامه سبک‌های هویت (ISI-6G) بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج نشان داد سبک‌های هویت هنجاری و هویت سردرگم/اجتنابی می‌توانند سبک خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده را پیش‌بینی کنند. همچنین سبک‌های هویت هنجاری و هویت اطلاعاتی می‌توانند سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر را پیش‌بینی کنند.

کلیدواژه‌ها: سبک هویت هنجاری، سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت سردرگم/اجتنابی، سبک خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده، سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر.

دسی و ریان در دهه ۸۰ میلادی با نظر داشتن نظریه «درک منبع علیت» هایدلر (۱۹۸۵)، مفهوم نظریه خودتعیین‌گری را مطرح کردند که نوعی نظریه انگیزشی-شناختی است (Deci & Ryan, 1985, p. 7). از نظر زیمرمن (۲۰۰۲)، خودتعیین‌گری به معنای کنترل فراشناختی فرایند برنامه‌ریزی و کنترل اهداف در جهت انگیزه‌های فرد است که نوعی خودتنظیمی محسوب می‌شود (ریو، ۱۳۸۷، ص ۲۳۵). دسی و ریان، به تفصیل مفهوم خودتعیین‌گری را بررسی کردند: خودتعیین‌گری شامل تجربه انتخاب با منبع علیت درونی است (Deci & Ryan, 1985, p. 111). خودمختاری، شایستگی و ارتباط، نیازهای اساسی روان‌شناختی هستند که خودتعیین‌گری جهت ارضای آنها تلاش می‌کند. از سوی دیگر، احساس خودمختاری، شایستگی، و ارتباط موجب ایجاد انگیزه‌هایی درونی‌تر می‌گردد. از نکات مهم نظریه خودتعیین‌گری، اهمیتی است که برای انگیزه‌های بیرونی قائل می‌شود. براساس نظر دسی و ریان در خودتعیین‌گری، انگیزه‌های درونی رفتار با برخی انگیزه‌های بیرونی آن یکپارچه می‌شود، «انگیزه‌های درونی بسیار مناسب هستند، اما انگیزه‌های بیرونی نیز حتماً لازم‌اند» (Deci & Ryan, 2000, p. 236). ریان و دسی معتقدند عامل اساسی در درونی‌سازی و خودتنظیمی تجارب فردی، میزان تعارضات محیط بیرونی با تمایلات درونی است؛ هرچه تعارض بین محیط بیرون و درون فرد بیشتر باشد، رفتار در سطوح اولیه پیوستار درونی‌سازی می‌شود و خودتنظیمی آن کمتر است. در نتیجه، احساس رضایت کم می‌شود و هرچه تعارض کمتر باشد، درونی‌سازی راحت‌تر صورت می‌گیرد (Ibid, p. 238). انتخاب هدف‌هایی که خودمختاری، شایستگی و ارتباط را ارضا می‌کنند، موجب رشد شخصی، سلامت ذهن و سلامت هیجانی می‌شود و تلاش‌هایی با ثبات بیشتر را برمی‌انگیزد (ریو، ۱۳۸۷، ص ۱۶۳). ریان و دسی، «درونی‌سازی» را به صورت پیوستار شش مرحله‌ای از سبک‌های خودتعیین‌گری معرفی کردند: سبک بدون تنظیم- سبک تنظیم بیرونی- سبک تنظیم درون‌فکنی‌شده- سبک تنظیم خودپذیر- سبک تنظیم آمیخته- سبک تنظیم درونی.

از سوی دیگر، طبق این نظریه برای بررسی خودتعیین‌گری مذهبی فقط از دو سبک خودتعیین‌گری درون‌فکنی‌شده و خودتعیین‌گری خودپذیر، که در پیوستار سبک‌های خودتعیین‌گری قرار دارد، استفاده می‌شود (البرزی و جوکار، ۱۳۸۴).

۱. سبک خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی‌شده: در این سبک، دلایل افراد ظاهراً درونی است، اما درواقع فشار احساس‌گناه، تهدید و یا پاداش، فرد را وادار به کنش خاص مذهبی می‌کند (رفتارهای مذهبی‌شان براساس انتخاب خودشان نیست).

۲. سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر: در این سبک، ارزش‌های بیرونی در سامانه ارزش‌های فرد، درونی می‌شود و دلایل افراد برای انجام رفتارهای مذهبی به علت اهمیتی است که این رفتارها برای وی دارند (همان).

باندز در تحقیقی ارتباط خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر را با بهزیستی روانی، رضایت از زندگی، سلامتی روانی و سازگاری دانشجویی بررسی کرد. نتایج این تحقیق نشان داد که سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر با بهزیستی روانی، رضایت از زندگی، سلامت روانی و سازگاری روانی ارتباط مستقیم دارد. اما ارتباط بین خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی‌شده و متغیرهای ذکرشده معنی‌دار نبود (Bounds, 2008, p. 115-116).

به دلیل اینکه مذهب به‌طور فراگیر در سطح جامعه اشاعه دارد، اما به لحاظ تأثیر در زندگی روانی و اجتماعی دارای پراکندگی زیادی است، بررسی‌های بیشتری می‌طلبد. روان‌شناس پیش از آنکه تعیین کند دین چگونه باید اعمال شود، چگونگی ارضای نیازهای روانی اجتماعی فرد در طول زندگی و تأثیر آن بر انگیزه‌های دینداری فرد را ملاحظه می‌کند. طبق نظریه اریکسون، اعتماد در روابط والدینی اولیه و پردازش «هویت خود» در دوره نوجوانی تأثیرات ماندگاری بر فرد خواهد گذاشت (ولف، ۱۳۸۶، ص ۵۱۲ و ۵۲۵). برخی پژوهشگران مانند فلوم (۱۹۹۴) و آلیسن و شولتز (۲۰۰۱)، معتقدند هویت اوایل نوجوانی مربوط به روابط بین شخصی و هویت اواسط و اواخر نوجوانی، به قلمرو ایدئولوژیکی ارتباط دارد (دلخموش، ۱۳۸۷). هویت از مفاهیمی است که در نظریه اریکسون در بحث رشد روانی-اجتماعی دوره نوجوانی به تفصیل به آن پرداخته شده است. تفکر انتقادی در مورد باورها و سازماندهی، آنها از تکالیف دوران نوجوانی به‌شمار می‌رود و سبک‌های هویت در خلال تکاپو برای انجام این تکلیف شکل می‌گیرد که بنابر نظر برزونسکی، شامل سه سبک اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی است. سبک‌های هویتی از ترکیب دو بعد: جست‌وجو جهت کشف حقیقت و تعهد جهت ایمان به حقیقت شکل گرفته است. ورتینگتون اظهار می‌دارد که هویت در سه محور کار، روابط اجتماعی، و ایدئولوژی شکل می‌گیرد که هویت دینی بخش عمده‌ای از هویت ایدئولوژیکی را تشکیل می‌دهد (قربانی، ۱۳۷۷). اگر نوجوان با موفقیت، تعارض هویت در برابر پراکندگی نقش را حل کند، تعهد ایمانی محکمی نیز در وی شکل می‌گیرد. این تعهد، اعتماد و توانایی پایبندی فرد به یک ایدئولوژی را مهیا می‌سازد.

برزونسکی با توجه به فضای پست‌مدرنیسم، ساماندهی منتقدانه نظام باورها را از تکالیف نوجوانان می‌داند و در تلاش برای این ساماندهی و با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی در تحول هویت، سه

عوامل مهم ارزیابی می‌کنند و همین تأیید شدن موجب می‌شود تا اجازه نداشته باشند که برخلاف افراد مهم و معیارهای موجود بیاندیشند. اما نوجوانانی که دارای هویت سردرگم و نگرش بی‌دینی سطحی بودند، اهمیتی به تأیید دیگران نمی‌دادند و از کمترین حمایت اجتماعی برخوردار بودند. در این زمینه، دوریز و سوننز (۲۰۰۶، ص ۱۳۲) در گزارش تحقیقی خود بیان می‌کنند: نوجوانان دارای سبک هویت هنجاری به یک باور ثابت مذهبی تعهد دارند و حساسیت آنان به مذهب بیشتر است. جهت‌گیری مذهبی از جمله ابعاد شناختی دینداری است که نوجوان در دستیابی به هویت ایدئولوژیکی با آن روبه‌رو می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد سبک‌های متفاوت هویت، نقش تعیین‌کننده‌ای بر خودتعیین‌گری مذهبی داشته باشد. اهمیت این پژوهش به این دلیل است که تأثیر سازه روانی-سبک‌های هویت-را بر ابعاد مذهب بررسی می‌کند. درحالی‌که اکثر پژوهش‌ها به بررسی تأثیر ابعاد مذهب و دینداری بر ویژگی‌های روانی پرداخته‌اند. در تحقیقات بسیاری اشاره شده است که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی، نسبت به افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی از سلامت روان بیشتر، اختلالات روانی کمتر و اضطراب مرگ کمتر برخوردارند (منصورنژاد و کجباف، ۱۳۹۱)، و پایداری هیجانی بیشتری دارند (عباسی و جان‌بزرگی، ۱۳۸۹). این پژوهش در راستای مطالعات روان‌شناسی دین قرار می‌گیرد که در آن موضوع اصلی مذهب است، و به این طریق تأثیر سازه‌های روان‌شناسی نوین بر کیفیت دینداری مورد بررسی قرار گیرد.

سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه، آیا سبک‌های هویت می‌تواند خودتعیین‌گری

مذهبی را پیش‌بینی کند؟

هدف این پژوهش نیز پیش‌بینی خودتعیین‌گری مذهبی توسط سبک‌های هویتی می‌باشد.

روش

کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پیش‌دانشگاهی شهرستان زاهدان در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. بر این اساس، جامعه آماری، تعداد ۳۱۷۶ دانش‌آموز بودند. بنابر قوانین آموزش و پرورش، شرط سنی برای این پایه تحصیلی بین ۱۸ تا ۲۱ است. این گروه سنی با این هدف انتخاب شدند که هویت، (به‌خصوص جنبه ایدئولوژی آن)، در این دوره شکل گرفته است. طبق نظر کاپلان، تا قبل از هجده سالگی تعداد زیادی از نوجوانان هویت نسبتاً نامشخصی دارند و در وضعیت تعلیق به سر می‌برند، اما هجده تا بیست سالگی نقش بسیار مهمی در تشکیل هویت دارد (کاپلان، ۱۳۸۴، ص ۸۲۷).

سبک هویت را معرفی می‌کند (Berzonsky, 1989, p. 272). برزونسکی از سال ۱۹۸۵ تاکنون (۲۰۱۲) در پژوهش‌ها و نوشته‌های مختلفی به توضیح در مورد مقیاس خود پرداخته و همبسته‌های بسیاری را در ارتباط با آن مطالعه کرده است. برزونسکی و کوک (۲۰۰۵) و دوریز و سوننز (۲۰۰۶، ص ۱۲۵)، سبک‌های سه‌گانه هویت برزونسکی را این‌گونه معرفی می‌کنند:

۱. سبک هویت اطلاعاتی: با نیاز به شناخت، هشیاری و تمرکز برای حل مسئله و پیچیدگی شناختی مشخص است. هویتی شناختی و خودکاوشرگ است و بسیار نزدیک به هویت کسب‌شده و هویت در حال اکتساب در نظریه مارشیا است.

۲. سبک هویت هنجاری: نوعی هویت زودرس و مواجهه خودکار است که در آن ارزش‌های دیگران مهم، درونی می‌شود. سبک هویت هنجاری گرایش به حالت هویت زودرس مارشیا دارد.

۳. سبک هویت سردرگم/اجتنابی: در این سبک هویت، میزان تعهد به خود و دیگران پایین است، اکثراً تعلق در کارها مشاهده می‌شود؛ تصمیمات وابسته به موقعیت، ناقص و تحت تأثیر هیجانات قرار دارد. از حل مسئله اجتناب می‌شود؛ خویشتن‌داری پایین و کانون کنترل بیرونی است و گرایش به حالت هویت سردرگم مارشیا دارد.

همچنین اریکسون در مورد هویت نوجوانی و ایمان می‌گوید: سنگ‌بنای هویت در نوجوانی «وفاداری و تعهد» است، به معنی توان حفظ آزادانه اعتقادات به‌رغم وجود تضادهای گریزناپذیر در نظام‌های ارزشی-و به تعبیر دیگر ایمان. وفاداری بر اثر پذیرش یا تأیید همسالان ایجاد می‌شود و نوع جهان‌بینی یا مسلک نوجوان موجب حفظ آن می‌شود (ولف، ۱۳۸۶، ص ۵۲۵). طبق گزارش پژوهشی، که توسط حاجلو و همکاران منتشر گردید، سطوح هویت‌یابی نوجوان توسط میزان مذهبی بودن آنان پیش‌بینی شده است. با توجه به اینکه در این مطالعه از پرسش‌نامه و مفهوم جهت‌گیری مذهبی استفاده گردیده، اما میزان مذهبی بودن گزارش شده است (حاجلو و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۴-۳۵). در پژوهشی دیگر، همبستگی سبک‌های هویت و سازه‌های جهت‌گیری اسلامی-شامل دو سازه باورها و مناسک، و اخلاق-بررسی توسط مغاللو و همکاران (۱۳۸۸، ص ۳۸۴) بررسی گردید. سازه اخلاق اسلامی دارای رابطه مثبت و معنی‌داری با سبک هویت اطلاعاتی و رابطه منفی و معنی‌داری با سبک سردرگم/اجتنابی داشت. بیشترین ارتباط سازه باورها و مناسک اسلامی، با سبک هویت هنجاری و سپس، با سبک هویت اطلاعاتی بود. براساس پژوهش فرمانی و خامسان (۱۳۹۰)، نوجوانانی که دارای سبک هویت هنجاری هستند و نگرش بنیادگرایی به دین دارند، گرفتن تأیید از دیگران را بیشتر از سایر

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار سبک‌های هویت و سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی

متغیر	زیرمقیاس	تعداد سوالات	میانگین	انحراف معیار
هویت	سبک اطلاعاتی	۱۱	۳/۷۲	۰/۵۱
	سبک هنجاری	۹	۳/۹۱	۰/۵۱
	سبک سردرگم/اجتنابی	۱۰	۲/۷۵	۰/۶۴
	کل مقیاس	۴۰		
خودگردانی مذهبی	سبک درون‌فکنی شده	۶	۲/۵۷	۰/۵۹
	سبک خودپذیر	۶	۳/۵۹	۰/۴۸
	کل مقیاس	۱۲		

داده‌ها از طریق روش‌های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام و با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS.18 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

برای بررسی پیش‌بینی سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی، بر مبنای سبک‌های هویت ابتدا به بررسی همبستگی متغیرهای سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی و سبک‌های هویتی پرداخته شده است و سپس، الگوی پیش‌بینی سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده و خودپذیر براساس مدل رگرسیون گام به گام بررسی شد:

جدول ۲: نتایج همبستگی پیرسون برای ارتباط بین سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی با سبک‌های هویت

۲	۱	SD	M	
		۰/۶۰	۲/۵۷	۱ خودتعیین‌گری درون‌فکنی شده
		۰/۴۸	۳/۵۹	۲ خودتعیین‌گری خودپذیر
		۰/۵۱	۳/۷۲	هویت اطلاعاتی
		۰/۵۱	۳/۹۱	هویت هنجاری
		۰/۶۴	۲/۷۵	هویت سردرگم/اجتنابی

**P<0.01 *p<0.05

همان‌گونه که در جدول ۲ نشان داده شده است، سبک خودتعیین‌گری درون‌فکنی شده با سبک‌های هویت اطلاعاتی ($r=0.10, p<0.05$)، هویت هنجاری ($r=0.319, P<0.01$)، هویت اجتنابی/ سردرگم ($r=0.294, P<0.01$) ارتباط مثبت و معنادار دارد. همچنین سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر با سبک‌های هویت اطلاعاتی ($r=0.313, P<0.01$)، هویت هنجاری ($r=0.403, P<0.01$) ارتباط مثبت و معنادار دارد و با سبک هویت اجتنابی/ سردرگم ارتباط معنادار ندارد.

جدول ۳: نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی سبک خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده

مدل	R	R2	B	SD	Beta	t
هویت هنجاری	۰/۳۱۹	۰/۱۰۲	۰/۱۰۲	۰/۲۷	۰/۳۴	۷/۴۸**
هویت سردرگم/اجتنابی	۰/۴۴	۰/۱۹۰	۰/۰۸۷	۱/۵۸	۰/۲۸	۶/۳۱**

متغیر ملاک: سبک خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده **P<0.01

نتایج رگرسیون گام به گام نشان داد که در مرحله اول، سبک هویت هنجاری وارد معادله رگرسیون گردید و به میزان ۱۰/۲٪ واریانس را برای سبک خودتعیین‌گری درون‌فکنی شده تبیین کرد. در گام

براساس جدول مورگان، تعداد ۳۴۶ دانش‌آموز با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شدند؛ به این طریق که از کل مدارس مقطع متوسطه دارای کلاس پیش‌دانشگاهی شهرستان زاهدان براساس نواحی یک و دو آموزش و پرورش، ۱۴ مدرسه (۷ آموزشگاه پسرانه و ۷ آموزشگاه دخترانه) انتخاب شدند. در مرحله بعد، از هر مدرسه یک کلاس به‌طور تصادفی انتخاب گردید و پرسش‌نامه‌ها با حضور محقق و یا همکار محقق توسط دانش‌آموزان پاسخ داده شد.

ابزار پژوهش: در این پژوهش، از پرسش‌نامه خودتعیین‌گری مذهبی SRQ-R، و پرسش‌نامه سبک‌های هویت ISI-6G استفاده شده است.

۱. پرسش‌نامه خودتعیین‌گری مذهبی SRQ-R: این پرسش‌نامه توسط ریان و همکاران (۱۹۹۳) برای سنجش جهت‌گیری مذهبی تهیه گردیده و انگیزه رفتارهای مذهبی را در دو سبک درون‌فکنی شده و خودپذیر بررسی می‌کند. هر سبک خودتعیین‌گری با شش گویه که مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت دارد سنجیده می‌شود. این مقیاس توسط البرزی و جوکار (۱۳۸۴) به فارسی ترجمه شده است و برای بررسی پایایی آن، با استفاده از شیوه بازآزمایی برای سبک درون‌فکنی شده ۰/۷۶ و برای سبک خودپذیر ۰/۷۳ و برای کل مقیاس ۰/۸۰ ضریب پایایی به دست آمد. در این پژوهش، برای بررسی اعتبار SRQ-R از روش همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) استفاده شد. برای سبک درون‌فکنی شده ۰/۶۴ و برای سبک خودپذیر ۰/۷۶ به دست آمده است.

۲. پرسش‌نامه ISI-6G: پرسش‌نامه ISI را برزونسکی (۱۹۸۹) برای اندازه‌گیری فرایندهای شناختی-اجتماعی که نوجوانان در برخورد با مسائل مربوط به هویت به کار می‌برند، ساخته است. وایت و همکاران (۱۹۹۸) نسخه تازه‌ای از این پرسش‌نامه با نام ISI-6G ساختند. بر این اساس، سه سبک هویت نوجوانی از طریق چهل گویه سنجیده می‌شود. یازده گویه به سبک هویت اطلاعاتی، نه گویه به سبک هویت هنجاری، ده گویه سبک هویت سردرگم/اجتنابی و ده گویه به خرده‌مقیاس تعهد اختصاص دارد (غضنفری، ۱۳۸۳). وایت و همکاران (۱۹۹۸) همسانی درونی سبک‌های این پرسش‌نامه را به میزان ۰/۵۹ برای هویت اطلاعاتی، ۰/۶۴ برای هویت هنجاری و ۰/۷۸ برای هویت سردرگم/اجتنابی گزارش کرده‌اند. این پرسش‌نامه، توسط فارسی‌نژاد (۱۳۸۳) ترجمه شده است. در این پژوهش، برای بررسی اعتبار ISI-6G از روش همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) استفاده شد و برای سبک هویت اطلاعاتی ۰/۶۰، برای سبک هویت هنجاری ۰/۵۰ و برای هویت سردرگم/اجتنابی ۰/۵۰ به دست آمده است. میانگین و انحراف معیار هریک از سبک‌های هویت و سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی در جدول ۱ آمده است.

دوم، سبک هویت سردرگم/اجتنابی وارد معادله رگرسیون گردید و به میزان ۰/۸۷/ واریانس را برای سبک خودتعیین‌گری درون‌فکنی شده تبیین کرد. به عبارت دیگر سبک هویت هنجاری و سبک هویت سردرگم/اجتنابی روی هم ۱۹/ واریانس سبک خودتعیین‌گری درون‌فکنی شده را تبیین می‌کند. ضرایب بتای استاندارد شده نشان داد که اگر سبک هویت هنجاری یک انحراف استاندارد تغییر کند، سبک خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده ۰/۳۴ انحراف استاندارد در همان جهت تغییر می‌کند و اگر سبک هویت سردرگم/اجتنابی یک انحراف استاندارد تغییر کند، سبک خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده ۰/۲۸ انحراف استاندارد در همان جهت تغییر می‌کند.

جدول ۴: نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر

مدل	R	R2	R2 change	B	SD	Beta	t
هویت هنجاری	۰/۴۰	۰/۱۶۳	۰/۱۶۳	۱/۷۹	۰/۲۸	۰/۳۲	۶/۴۷**
هویت اطلاعاتی	۰/۴۳	۰/۱۸۸	۰/۰۲۵	۰/۹۲	۰/۲۸	۰/۱۷	۳/۳۳**

متغیر ملاک: سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر $P < 0.01$

همان‌طور که نتایج رگرسیون گام به گام در جدول شماره ۴ نشان داده است، در مرحله اول هویت هنجاری وارد معادله رگرسیون گردید و به میزان ۰/۱۶۳/ واریانس خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر را تبیین کرد. در گام دوم، سبک هویت اطلاعاتی وارد معادله شد و به میزان ۰/۲۵/ واریانس را برای خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر تبیین کرد. به عبارت دیگر، سبک هویت هنجاری و سبک هویت اطلاعاتی روی هم ۱۸/۸/ واریانس سبک خودتعیین‌گری خودپذیر را تبیین می‌کند. ضرایب بتای استاندارد شده نشان داد که اگر سبک هویت هنجاری ۱ انحراف استاندارد تغییر کند، سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر ۰/۳۲ انحراف استاندارد در همان جهت تغییر می‌کند. و اگر سبک هویت اطلاعاتی ۱ انحراف استاندارد تغییر کند، سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر ۰/۱۷ انحراف استاندارد در همان جهت تغییر می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، پاسخ به این سؤال بود که «آیا هویت می‌تواند سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی را پیش‌بینی کند». نتایج نشان داد سبک هویت اطلاعاتی با هر دو نوع سبک خودتعیین‌گری مذهبی همبستگی دارد. سبک هویت هنجاری نیز با هر دو نوع سبک خودتعیین‌گری مذهبی همبستگی دارد و سبک هویت سردرگم/اجتنابی، با خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده همبستگی مثبت دارد. همچنین نتایج رگرسیون نشان داد که سبک خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده را به ترتیب سبک

هویت هنجاری و سبک هویت سردرگم/اجتنابی پیش‌بینی کرده‌اند و سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر را به ترتیب سبک هویت هنجاری، سبک هویت اطلاعاتی پیش‌بینی کرده‌اند.

سبک هویت هنجاری، نسبت به سایر سبک‌های هویت پیش‌بینی‌کننده بهتری برای هر دو سبک خودتعیین‌گری مذهبی بود و بیشترین همبستگی را با آنها داشت. در سبک هویت هنجاری، پیروی از ارزش‌های دیگران و ارزش‌های موجود، اهمیت زیادی دارد؛ به‌طوری‌که ارزش‌های دیگران مهم، درونی‌سازی می‌شود (Berzonsky & Kuk, 2005, p.243). افراد در این سبک تأیید دیگران را می‌گیرند و دارای اجتناب و اضطراب کمی هستند. درحالی‌که در اسلام آنچه موجب امنیت و کاهش اضطراب می‌شود، ارتباط با خداوند است. وقتی افراد دارای خودتعیین‌گری مذهبی دارای هویت هنجاری هستند و تأیید دیگران برایشان آرامش می‌آورد، با تعالیم اسلام همخوانی ندارد. دلیل عدم همخوانی می‌تواند سن گروه نمونه باشد که در دوره نوجوانی به سر می‌برند و یا اینکه جامعه دارای معیارهای مذهبی است و تأیید دیگران به‌عنوان تأیید افراد مذهبی و با معیارهای مذهبی بوده است. بنابراین، در این پژوهش، سبک هویت هنجاری بهترین پیش‌بینی‌کننده برای خودتعیین‌گری خودپذیر بود، براساس نظریه خودتعیین‌گری دسی و ریان (۲۰۰۴) احساس خودمختاری، احساس شایستگی و احساس موفقیت در ارتباط با دیگران موجب ایجاد خودتعیین‌گری درونی‌تر می‌شود. شاید بتوان گفت: تأیید و تقویتی که افراد دارای هویت هنجاری از دیگران مهم دریافت می‌کنند، موجب می‌شود که اضطراب کمی متوجه آنان شود و در نتیجه، احساس خودمختاری، شایستگی و ارتباط را به‌صورت واقعی یا غیرواقعی تجربه کنند. افراد دارای این سبک هویت به باورهای مذهبی (اگر جزء ارزش‌های جامعه باشد)، تعهد دارند و حساسیت آنان به مذهب بیشتر از سایر سبک‌های هویت است. الکانند با مطرح کردن پدیده «تماشاگر خیالی» به‌عنوان یکی از ویژگی‌های دوره نوجوانی، معتقد است: نوجوانان بیشتر از اینکه به نظر خودشان توجه کنند به نظر دیگران توجه دارند (کاپلان، ۱۳۸۴، ص ۸۲۷). همچنین باید در نظر داشت که مذهب از نوع ارزش‌هایی است که از دیگران به افراد می‌رسد و نمی‌توان مذهبی بودن را از هنجاری بودن جدا کرد. بنابراین، پدیده تماشاگر خیالی و هنجاری بودن مذهب نیز از عواملی است که موجب ارتباط سبک هویت هنجاری و سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی شده است. به‌عنوان یکی از نتایج مهم این تحقیق، می‌توان گفت: اکثر نوجوانان ما پایبند به ارزش‌ها و فرهنگ جامعه هستند و تغییراتی که در رفتار نوجوانان نسبت به نسل‌های قبلی مشاهده می‌شود، در حدی نیست که اصطلاح «نفی ارزش» و یا «ازخودبیگانگی فرهنگی» را برای آن برگزینیم.

نتایج برخی از پژوهش‌ها، با این نتیجه همخوان هستند. مثلاً، مغاللو و همکاران (۱۳۸۸)، ص ۳۸۳) در بررسی خود دریافتند که بیشترین ارتباط سازه باورها و مناسک اسلامی با سبک هویت هنجاری بود. براساس پژوهش فرمائی و خامسان (۱۳۹۰) نیز نوجوانان دارای سبک هویت هنجاری نگرش بنیادگرایی به دین دارند و گرفتن تأیید از دیگران را بیشتر از سایر عوامل مهم ارزیابی می‌کنند. علاوه بر این، دوریز و سوننز (۲۰۰۶) نشان دادند که نوجوانان دارای سبک هویت هنجاری، حساسیت‌شان به مذهب بیشتر است.

سبک هویت سردرگم/اجتنابی به‌عنوان دومین متغیر توانسته است خودتعیین‌گری درون‌فکنی شده را پیش‌بینی کند. ریو (۱۳۸۷) و قاسمی‌پور (۱۳۹۰) بیان می‌کنند: احساس خودمختاری، شایستگی و موفقیت در روابط، موجب خودتعیین‌گری درونی‌تر می‌شود. همان‌گونه که برقی‌مقدم، جوادی، مظفری و گروسی (۱۳۸۸) نشان دادند افراد با هویت سردرگم/اجتنابی دارای احساس عدم شایستگی هستند.

براساس نتایج این پژوهش، سبک هویت اطلاعاتی به‌عنوان دومین پیش‌بینی‌کننده، سبک خودتعیین‌گری خودپذیر را پیش‌بینی کرده است. طبق یافته‌های برزونسکی و کوک (۲۰۰۵، ص ۲۴۴)، افراد دارای هویت اطلاعاتی نیاز به شناخت، هشپاری و تمرکز برای حل مسئله دارند. همان‌طور که برزونسکی، سی‌شوب، دوریز و سوننز (۲۰۱۱) مطرح کرده‌اند سبک هویت اطلاعاتی به‌طور مثبت با پردازش منطقی و مستقیم مسائل، رابطه دارد. افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی، دارای خودمختاری و استقلال بیشتری نسبت به سایر سبک‌های هویت هستند. اما از نظر احساس شایستگی، همانند هویت هنجاری هستند. هویت اطلاعاتی، برخلاف هویت هنجاری توانسته است فقط یک سبک خودتعیین‌گری مذهبی را پیش‌بینی کند. بدین صورت که به‌خوبی وجه افتراق خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده را از خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر تشخیص داده است و این گویای پردازش منطقی آن است.

بنابراین، سبک هویت متکامل‌تر، که دارای تعهد و جست‌وجوی بالایی است، به درونی‌سازی کامل ایمان کمک می‌کند و منجر به رفتار مذهبی می‌شود که ریان و دسی آن را مبتنی بر خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر نام‌گذاری کرده‌اند. امام علی علیه السلام پیرامون نیت و جهت‌گیری در اعمال مذهبی فرموده است: «همانا گروهی خدا را به انگیزه پاداش می‌پرستند، این عبادت تجارت‌پیشگان است، و گروهی او را از ترس می‌پرستند، این عبادت برده‌صفتان است، و گروهی که او را برای آنکه او را سپاس‌گزاری کرده باشند، می‌پرستند، این عبادت آزادگان است» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ح ۲۲۹).

با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌گردد مراکز مشاوره‌ای، روان‌شناسان و اولیای تعلیم و تربیت جهت فراهم نمودن شرایط برای هرچه درونی‌تر شدن انگیزه‌های رفتار و به‌طور خاص، انگیزه‌های مذهبی، با افزایش دادن مهارت‌های زندگی در کودکان و نوجوانان و کاهش زمینه‌های رقابت در تحصیل، رقابت در اشتغال و رقابت شدید در دریافت امتیازات مادی و اجتماعی، ایجاد فضای صمیمیت در خانواده و تأکید بر توجه مثبت نامشروط، ترغیب تفکر انتزاعی و تبادل نظر با هدف پاسخ‌گویی مورد قبول به سؤالات نوجوان و کمک به انتخاب منطقی و خودمختار ارزش‌ها، روند هویت‌یابی آنان را تسهیل کنند و خودمختاری و استقلال کودکان و نوجوانان را مورد حمایت قرار دهند.

از جمله محدودیت‌های پژوهش این است که پرس‌وجو درباره باورهای دینی در جامعه ما، با سوءتفاهم‌ها و احتمالاً نگرانی‌هایی همراه است. این امر می‌تواند عاملی جهت عدم هماهنگی یافته در پژوهش‌هایی با جامعه آماری متفاوت باشد. جامعه آماری نسبتاً محدود که در پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است، می‌تواند بر پایایی آزمون تأثیر منفی داشته باشد.

منابع

- Berzonskya M. D. , & et al., (2011) , The how and what of identity formation: Associations between identity styles and value orientations. *Personality and Individual Differences*, N. 50, p. 295- 299.
- Bounds B.I. , The relationship of religiosity and adjustment to college among children of missionaries. Pub.ProQuest. Fordham University, 2008.
- Deci, E. L., Ryan, R. M. , *Intrinsic Motivation and Self-determination in Human Behavior*. New York: Plenum Press, 1985.
- Deci, E., Ryan, R. , *Handbook of self-determination research*. Rochester, NY:University of Rochester Press, 2004.
- Deci, E., Ryan, R., (2008) , Facilitating optimal motivation and psychological well-being across life's domains. *Canadian Psychology*, N. 49, p. 14– 23.
- Duriez, B., & Soenens, B. (2006). Personality, identity styles and religiosity: An integrative study among late and middle adolescents. *Journal of Adolescence*, v 29, p. 119- 135.
- Krikpatrick, L.A., Shaver, P.R. (1990). Attachment theory and religion childhood attachment, religious beliefs, and conversion. *Journal of The Scientific Study of Religion*, N. 29, p. 315- 334.
- Ryan, R. M. & Deci, E. L., (2002) , Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American Psychologist*, N. 55, p. 68- 78.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم، مشرقین.
- البرزی، محبوبه و بهرام جوکار، «مقایسه خودتعیین‌گری مذهبی دانش‌آموزان مدارس تیزهوش با دانش‌آموزان مدارس عادی در شهرستان شیراز» (۱۳۸۴)، *مطالعات روان‌شناختی*، ش ۱، ص ۸۳- ۹۴.
- حاجلو، نادر و همکاران، «همبسته‌های هویت‌یابی فردی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان اردبیل» (تابستان ۱۳۹۱)، *روان‌شناسی مدرسه*، ش ۲، ص ۲۱- ۳۸.
- حسینی قمی، طاهره و حسین سلیمی‌بجستانی، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و تاب‌آوری در بین مادران دارای فرزندان مبتلا به بیماری» (پاییز ۱۳۹۰)، *روان‌شناسی و دین*، ش ۳، ص ۶۹- ۸۲.
- دلخمش، محمدتقی، «گسترش یک مقیاس برای اندازه‌گیری هویت من» (پاییز ۱۳۸۷)، *روان‌شناسان ایرانی*، ش ۵، ص ۴۴- ۵۲.
- ریو، جان مارشال (۱۳۸۷)، *انگیزش و هیجان*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۲)، *تفسیرالمیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- عباسی، مهدی و مسعود جان‌بزرگی، «رابطه ابعاد جهت‌گیری مذهبی با پایداری هیجانی» (پاییز ۱۳۸۹)، *روان‌شناسی و دین*، ش ۳، ص ۵- ۱۸.
- غضنفری، احمد، «اعتباریابی و هنجاریابی پرسش‌نامه سبک‌های هویت (ISI-6G)» (اسفند ۱۳۸۳)، *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ش ۹، ص ۸۱- ۹۴.
- فرمانی، سعید و احمد خامسان، «مقایسه انواع نگرش نسبت به دین و سبک‌های هویتی با توجه به حمایت اجتماعی ادراک شده در دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر بیرجند» (۱۳۹۰)، خلاصه مقالات اولین کنگره روان‌شناسی، دین و فرهنگ، تهران.
- قاسمی‌پور، یداله، «تبیین سازوکار اثر بخشی مصاحبه انگیزشی در رفتارهای سلامت براساس نظریه خودتعیین‌گری و ارزش سلامت در بیماری قلبی - عروقی»، فروردین ۱۳۹۰.
- قربانی، نیما، «روان‌شناسی دین: یک روی آورد علمی چندتباری» (پاییز و تابستان ۱۳۷۷)، *قیسات*، ش ۸، ص ۲۲- ۴۵.
- کاپلان، پاول اس (۱۳۸۴)، *روان‌شناسی رشد-سفر پرماجرای کودک*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران، رسا.
- مغانلو، مهناز و همکاران، «رابطه سبک‌های هویت و دینداری در دانشجویان» (زمستان ۱۳۸۸)، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ش ۱۵، ص ۳۷۷- ۳۸۷.
- منصورنژاد، زهرا و محمدباقر کجیاف، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و جنسیت با اضطراب مرگ در میان دانشجویان»، (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ش ۱، ص ۵۵- ۶۴.
- ولف، دیوید ام (۱۳۸۶)، *روان‌شناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S., (2005) Identity styles, psychological maturation, and academic performance. *Personality and Individual Differences*, N 39, p. 237- 247.
- Berzonsky, M. D., (1989), Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of adolescence Research*, N. 4, p. 267- 281.